



نقش مولفه‌ها و عناصر فرهنگی در رضایتمندی ساکنین مجموعه‌های مسکونی سازمانی در ایران (مطالعه موردی: شهر اهواز)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

صبا میردیریگوندی

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
Sb.mir66@yahoo.com

مصطفی مسعودی نژاد

دکتری معماری، استادیار گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
mostafa_masoudinejad@yahoo.com (نویسنده مسئول)

بهزاد وثیق

دکتری معماری، دانشیار مدعو گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران/دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران. vasiq@jsu.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: به دنبال رشد فزاینده جمعیت شهری و مهاجرت‌های روستایی در دهه‌های اخیر در ایران چهره مسکن و کیفیت سکونت تغییر یافت. توسعه این پدیده بدون برنامه ریزی صحیح و عدم توجه به مسائلی از جمله عوامل فرهنگی در فضای تعاملی سکونتگاهی منجر به بروز رفتارهایی از ساکنین می‌گردد که مخل و از بین برنده فرهنگ سکونتی است. که توجه صرف به مسائل کمی و نادیده انگاشتن کیفیت در فضاهای مسکونی موجب تشدید معضلاتی در این فضاها گشته و به تبع آن باعث ایجاد نارضایتی ساکنان از محیط‌های مسکونی خود شده است.

هدف: پژوهش حاضر به ارزیابی و سنجش تاثیر نقش مولفه‌ها و عناصر فرهنگ در معماری مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان پرداخته است. در این پژوهش اقدام به تحلیل تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ بر رضایتمندی در دو مجموعه مسکونی سازمانی نیروی انتظامی شهرستان اهواز شد.

روش پژوهش: نوع پژوهش حاضر کاربردی است و روش تحقیق به صورت توصیفی از نوع همبستگی است، جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. تعداد افراد انتخاب شده جهت حجم نمونه آماری بر اساس روش نمونه گیری تصادفی ساده و بر طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران ۲۸۵ ساکن در نظر گرفته شده است. که پس از جمع آوری داده‌ها، به منظور تحلیل آنها، اطلاعات با استفاده از روش و تکنیک‌های آماری و نرم افزار Spss ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

یافته‌ها: بر این اساس نتایجی که در بخش کمی حاصل گردید، حاکی از رابطه معنا دار میان مؤلفه‌هایی مانند جنبه‌های فضایی، ایمنی و آرامش، جنبه‌های انسانی، هویت اجتماعی و فرهنگی جنبه‌های عملکردی در دو مجموعه مسکونی از نظر پاسخگویان حاصل گردید.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، رضایتمندی سکونتی، مجموعه‌های مسکونی، مجموعه‌های سازمانی، اهواز

مقدمه

بپردازد. در گذشته معمار بومی جهت ساخت فضای خانه سه نوع هماهنگی را ایجاد میکرده است: نخست هماهنگی ساخت و هدف آن، سپس هماهنگی میان اجزای ساخت و سرانجام هماهنگی میان ساخت و محیط پیرامون و به ویژه افراد بهره مند از آن (فکوهی، ۱۳۹۳). از زمان قاجار ما شاهد گرایش به نوگرایی و ورود برخی عناصر معماری غربی در پی تقلید صرف از معماری غربی در کشورمان هستیم. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به برونگرایی و اهمیت نما اشاره کرد. نیاز سریع به مسکن در سال‌های پس از جنگ، در عین گرایش به معماری غربی، منجر به رواج بلندمرتبه سازی در ایران می‌شود. این روند مانند هر تغییر دیگری ابتدا از شهرهای بزرگ شروع شد و سپس به دیگر شهرها رسید و بدین طریق آپارتمان‌های مرتفع و همشکل با پنجره‌ها و تراس‌های رو به بیرون، بدون توجه به فرهنگ و اقلیم منطقه بیشتر خیابان‌های شهر را اشغال کردند و حتی به شیوه‌ی اصلی سکونت در شهرهای بزرگ تبدیل شدند. در این برهم خوردگی‌ها و ناهماهنگی‌های بعد از ورود معماری مدرن به کشورمان، بدلیل عدم توجه به فرهنگ، محیط و نیاز جامعه‌ی ایرانی مشکلات فرهنگی، اجتماعی و روانی بسیاری برای استفاده کنندگان از این نوع معماری ایجاد شده است. به همین جهت محققین قصد دارند با بررسی خانه‌های سازمانی در شهر اهواز به عنوان میدان تحقیق، تأثیر ارزشها، اعتقادات، نیازها، شیوه‌ی زندگی، آداب و رسوم و ساختار فرهنگ در معماری را بر رضایتمندی ساکنان آن بررسی کنند تا بتوانند وضعیت و مشکلات خانواده‌های ساکن در این خانه‌ها را با توجه پارامترهای ذکر شده بررسی نمایند.

محیط‌های شهری از فضاها، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده اند که هر یک می‌توانند به نوعی موضوع پژوهش‌های شهری در رشته‌های مرتبط با شهر قرار گیرند. انسان شناسی شهری از جمله زیر گروه‌های شاخه‌ی وسیع انسان شناسی است که پژوهش‌های خود را بر شهر و مسائل شهری متمرکز کرده است. از جمله حیطه‌های مورد توجه انسان شناسان شهری، فضاها، مسکونی است که در طبقه‌ی فضاها کاربردی شهری قرار می‌گیرد. خانه به مثابه یکی از فضاها، مسکونی، اولین نوع معماری است که انسان تجربه می‌کند و اوقات زیادی از زندگی خود را در رابطه‌ی عمیق با این فضا سپری میکند. بنا بر تأثیری که فضای خانه و تجربه‌ی آن بدلیل این ارتباط تنگاتنگ می‌تواند بر آدمی داشته باشد، فضای خانه بایستی بر اساس نیازهای آدمی و آن طور که او می‌خواهد طراحی شود. اپلیارد (۱۹۷۹) متأثر از مازلو، در رابطه با بررسی روابط عاطفی میان مردم و مکان‌های مسکونی مدعی شد که خانه بایستی تأمین کننده آسایش روانی، نیازهای اجتماعی و البته نیازهای فیزیولوژیک باشد. بنا بر مطالب ذکر شده، خانه از یک سو بایستی بر اساس ارزش‌ها، اعتقادات، باورها، سلاطین مردم جامعه و همچنین شیوه‌ی زندگی و ساختار خانواده در آن جامعه طراحی شود تا بتواند به نیازهای فرهنگی و روانشناختی ساکنین خود پاسخ گوید و از سوی دیگر نیز باید بتواند با توجه به اقلیم و شرایط آب و هوایی منطقه، فضایی را ایجاد کند که انسان بتواند در آن با آسایش و بدون رویارویی با بحران‌های مربوط به اقلیم به زندگی

جدول ۱: برخی دیدگاه‌ها درباره‌ی رضایتمندی سکونتی

(اینگه‌هارت) ۱۳۷۳	رضایت از زندگی بازناتب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی اوست. به بیانی دیگر هر چه شکاف میان آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد، رضایت او از زندگی کاهش می‌یابد.
McCray and Day 1977	رضایت از زندگی بسیاری از حیطه‌ها از جمله وضعیت سلامت، توان انجام فعالیت‌های روزمره، وجود فرصت‌هایی برای دنبال کردن علایق، عملکرد اجتماعی در دوستی‌ها و روابط با دیگران دسترس به منابع مراقبت از سلامتی را بر می‌گیرد. (معادل میزان رضایت تجربه شده فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود).
دینر ۱۹۸۴	رضایت از زندگی، بیانی کلی از احساسات و نگرش در مورد زندگی فرد در یک دامنه مثبت تا منفی است. رضایت از زندگی به مقایسه شرایط زندگی شخصی به آن معیاری که از نظر او مناسب و استاندارد باشد وابسته است.
Glaster and Hesser 1981	رضایت از زندگی یک مقیاس باز-پاسخ و ذهنی از سعادت مردم است. به این دلیل ذهنی است که در بررسیها از مردم پرسیده می‌شود که آیا از زندگی خود راضی هستند یا نه. باز است به این دلیل که محققان از پیش، تعریفی از سعادت اجتماعی ارائه نمی‌دهند، بلکه داوری در مورد رضایت از زندگی به عهده هر شخص است. (شکاف قابل مشاهده بین آمل و نیازهای ساکنین و واقعیت موجود بستر سکونتی آنها)
(خوارزمی) ۱۳۸۶	رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و در واقع همان احساس خشنودی است که در پی دستیابی به آن زمانی نه چندان کوتاه را سپری می‌نماید. "فلسفه‌ی ای است که شخص آگاهانه برای زندگی خویش انتخاب کرده و ناخودآگاه آن را در ذهن دارد.
(دورکیم) ۱۳۵۹ نقل از رفیع پور، ۱۳۷۸	دورکیم در زمینه رابطه میان انسان و نیازها و اهداف یا آرزوهایش معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از راه هنجارها تنظیم و محدود می‌شود و با ازمهم پاشیدگی هنجارها (بنابراین از بین رفتن کنترل آرزوها)، آنومی یا وضعیت آرزوهای بی حد و حصر ۴ پدید می‌آید. از آنجاکه این آرزوهای بی حد طبعاً نمی‌توانند ارضا و اشباع شوند، در نتیجه وضعیت ناراضی اجتماعی دائمی ایجاد می‌شود

مبانی نظری پژوهش

ادبیات نظری درباره‌ی رضایت از زندگی از غنای بسیاری برخوردار است و نظریه پردازان مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. در تبیین این مفهوم از چارچوب‌های نظری مشتمل بر نظریات و تئوری‌های نیاز، محرومیت نسبی ۴، میدانی ۵ لوین، احساس بی عدالتی، مبادله و کنش متقابل استفاده شده است؛ برخی از آنها به دلیل اختصار در جدول شماره ۱ خلاصه شده است.

ادبیات رضایتمندی مسکونی در مطالعات اروپایی و آمریکایی در جهات مختلف توسعه یافته است، قبلاً بیشتر بر عوامل فردی همچون تفاوت‌های وضعیت اجاره و مالکیت متمرکز شده بود، اما بعدها به عوامل جنسیت، قومیت و اختلاف سن نیز توجه شد. (-pelin sarioglu, Erdogdu, 2015) به بیان آمریگو و آراگونز (۱۹۹۰)، رضایتمندی حالتی قابل تاثیر از متغیرهای رفتاری، شناختی و عاطفی است. بخش رفتاری، تمایلات رفتاری فرد را ارزیابی می‌کند. بخش شناختی، ویژگی‌های زیست محیطی را در بر می‌گیرد. بخش عاطفی، ابعاد حسی و ارزیابی را درگیر می‌کند و ترکیبی از نحوه واکنش‌های فرد به محیط کالبدی - اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. (Campbell, et al, 2013)

مسکن

مقوله مسکن، مفهومی گسترده و پیچیده دارد که از ابعاد متنوعی برخوردار است، لذا نمی‌توان تعریف جامع و واحدی از آن ارائه نمود. در اکثر منابع تعریف مسکن به یک واحد مسکونی محدود نمی‌شود؛ بلکه کل محیط مسکونی را دربرمی‌گیرد. یعنی از این واژه مفاهیمی همچون خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی موردنیاز برای بهزیستی خانواده و حتی طرح‌های اشتغال، آموزش و تندرستی افراد را میتوان استنباط نمود. (زبیری و همکاران، ۱۳۹۸) از اینرو به منظور دستیابی به صنعت مسکن پایدار، برنامه ریزان مسکن می‌بایست فعالیت هایشان را با نیازها و خواسته‌های مصرف کنندگان هماهنگ سازند. به گونه‌ای که در عین تناسب با توان مالی خانوار شرایط زیر را برای آنان فراهم آورد:

ایجاد فضای سکونتی مناسبی که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی کافی، تهویه و زیرساخت‌های اولیه مناسب (از قبیل: آبرسانی، بهداشت و آموزش)، محیط زیست سالم، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه و همچنین زمینه رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده و روابط همسایگی را برای ساکنانش فراهم آورد (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

رضایت مندی ساکنین

مسکن علاوه بر ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی، خدمات و تسهیلات ضروری خانوار، طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت را در بر می‌گیرد و به مساله‌ای چند بعدی در برنامه ریزی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است (مسعودی راد و دیگران، ۱۳۹۶). رضایت از سکونت، ادراک ساکنان نسبت به کفایت داشتن یا نداشتن وضعیت فعلی محیط و میزان موفقیت ساخت و سازه‌های بخش‌های عمومی و خصوصی را نشان می‌دهد و نتایج حاصل از آن برای ارزیابی سیاست‌ها، رتبه بندی مکان‌ها، تدوین برنامه‌ها و راهبردها و جلوگیری از تکرار نواقص مفید می‌باشد (قربی و دیگران، ۱۳۹۶). رضایت از محیط مسکونی، تفاوت بین وضعیت فعلی خانه و فضاهای همسایگی را با آنچه که

ساکنان برای محیط آرزو می‌کنند، می‌سنجد. محیط مسکونی در این تعریف به محیط فیزیکی خانه و محیط همسایگی تقسیم می‌شود. رضایت مسکونی، معیاری برای تشخیص کیفیت زندگی و رفتار ساکنان در محیط‌های مسکونی است و نیز معیاری است برای سنجش میزان تجانس رفتارها با محیط زیستی آنها (رضایی و کمائی زاده، ۱۳۹۲) و بر دامنه‌ی گسترده‌ای از تمایلات و مطلوبیت‌ها برای رفع نیازهای پایه و یا متعالی انسان اشاره دارد. محیط مسکونی ایده آل برای هر خانواده با توجه به نیازها و آرزوهای آنها متفاوت خواهد بود و آنها نسبت به محیط‌های مسکونی یکسان، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. ویژگی‌های شخصی به عنوان یکی از معیارهای اصلی رضایت مسکونی در نظر گرفته شده است. درآمد و تحصیلات بالاتر، در پژوهش‌ها به عنوان عوامل رضایت بیشتر از محیط مسکونی شناخته شده‌اند. افراد مسن تر به دلیل داشتن زمان بیشتر برای انتخاب محیط زندگی، از رضایت بالاتری برخوردارند. افرادی که طول مدت بیشتری در یک محیط همسایگی زندگی می‌کنند، به دلیل داشتن تعامل بیشتر با دیگران، از محیط سکونت شان رضایت بیشتری دارند. به طور خلاصه در تحقیقات گذشته در رابطه با رضایتمندی مسکونی، ارزیابی ساکنان از عوامل فیزیکی (ویژگی خانه و فضای همسایگی، تسهیلات و خدمات همسایگی و عمومی)، عوامل ارتباطی (تعاملات همسایه ها) و عوامل جمعیت شناختی (وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها) مورد تحلیل قرار گرفته است.

economy (اقتصاد) نیز از همان ریشه است. محیط شناسی علمییست که به مطالعه‌ی موجودات طبیعی اعم از جانداران و بیجانان، روابط آنها با یکدیگر و با

بخشیدن یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود دارد که نمودی است برای سنجش فرهنگ (ستوده و کریمی، ۱۳۹۴). جهت گیری فرهنگ‌ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می‌شود و همین مسیر در شکل دهی به فضای سکونتی و پیدایش معماری مؤثر است، چراکه این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و اینگونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده می‌شوند (فالچی، ۱۳۹۲). بنابراین وظیفه هر بنا به عنوان جزئی از فرهنگ معماری، عینیت بخشیدن به یک اندیشه ذهنی به وسیله ظرف خاص آن است و بدین ترتیب این ظرف نمودی خواهد بود برای سنجش این فرهنگ، لذا هر ساختمان خود یک شاهد فرهنگی می‌باشد (عیسی زاده، ۱۳۹۶).

فرهنگ و سکونت گاه در هنر ایرانی

هر بنایی در بستر مکانی و زمانی خود گویای خصایص فرهنگی و اجتماعی و اسلامی ساکنان خود است (معماریان، ۱۳۹۲). دیدگاه اجتماعی در سکونت، فرهنگ، باورها و روش زندگی را تعیین کننده ترین عوامل در شکل گیری هنر معماری می‌داند و سایر عوامل چون اقلیم، اقتصاد و ... را جزء عوامل درجه دو به شمار می‌آورد. بر اساس این نگرش می‌توان طراحی پایدار به لحاظ اجتماعی را چنین تعریف نمود: طراحی فضایی که ظرف مناسبی برای جای دادن فرهنگ، رفتارها و روش زندگی انسان‌ها باشد و جریان زندگی که از همین عناصر تشکیل می‌شود بتواند برای مدت طولانی تری در آن حضور داشته باشد (رئیزی و عباسزادگان، ۱۳۹۶).

سوالات و فرضیات پژوهش:

سوال پژوهش عبارت از این که چه مولفه‌هایی از فرهنگ بر رضایتمندی ساکنان مجموعه‌های مسکونی شهر اهواز موثر است؟ و «تأثیر فرهنگ و سبک زندگی بر شکل گیری نظام کالبدی در مجموعه‌های مسکونی چیست؟»

فرضیه اصلی پژوهش حاکی از آن است که ۵ مولفه جنبه‌های فضایی، ایمنی و آرامش، جنبه‌های انسانی، هویت اجتماعی و فرهنگی و جنبه‌های عملکردی بر رضایتمندی ساکنان مجموعه‌های مسکونی تأثیر گذار است.

روش پژوهش

نوع پژوهش حاضر کاربردی است و روش تحقیق به صورت توصیفی از نوع همبستگی است، جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روش میدانی (پرسشنامه)

مجموعه‌ی طبیعت و طریقه‌ی انطباق موجودات با محیط پیرامون خود می‌پردازد (فکوهی، ۱۳۹۱). جولیان استیوارد از جمله افرادی بود که به قضیه‌ی تکامل فرهنگی علاقه مند بود. وی بر تکامل نظام‌های فرهنگی از طریق تطبیق محیطی تأکید داشت و به همین دلیل رهیافتی به نام بوم شناسی فرهنگی (محیط شناسی فرهنگی) را مطرح ساخت. رهیافت استیوارد شدیداً تجربی بوده و مستلزم آن است که تکنولوژی، فرهنگ و محیط مادی همزمان باهم بررسی شوند (بیتس، پالگ، ۱۳۹۵). در واقع استیوارد هرگز مدعی نبود که محیط نقش جبری را در کنش متقابل انسان-زیستگاه بومی ایفا میکند؛ بلکه از نظر وی جوامع مطابق تنوع پاسخهای انسانی و با بکارگیری عنصر ابر ارگانیکی به نام فرهنگ در جریان انطباق به محیط واکنش نشان میدهند. استیوارد بر جریان‌های فرهنگی ای تأکید داشت که پیوند دهنده‌ی نهادها و فنون با شرایط محیطی بودند. در نظر استیوارد، هر فرهنگ حاوی واکنش‌های مشابه در پاسخ به شرایط محیطی همسان و لذا دارای ساخت و کارکردهای مرتبط است (گاربارین، ۱۳۹۷). به این ترتیب استیوارد چنین نتیجه گیری می‌کند که محیط‌های یکسان یا شبیه به هم جوامع یا فرهنگ‌های یکسان یا شبیه به هم را به وجود می‌آورند (فکوهی، ۱۳۹۱).

یکی از مفاهیم اساسی مورد نظر استیوارد مفهوم «هسته‌ی فرهنگ» است که شامل مجموعه ویژگی‌ها، مکانیسم‌ها و استراتژی‌های دخیل در امر تأمین معیشت می‌گردد (فکوهی، ۱۳۹۱). در واقع استیوارد نیز مانند وایت تکنولوژی و فناوری را یک جنبه‌ی اساسی فرهنگ و جزء اصلی هسته میدانند که باید بر حسب زیستگاه بوم تحلیل شود (البی، ۱۳۹۸؛ بیتس، پالگ، ۱۳۹۵).

در ادامه لازم به ذکر است که هرچند استیوارد اهمیت فرایندهای اشاعه را انکار میکرد، اما معتقد بود که الگوهای اشاعه یافته نه تنها باید از مکانی سازگار و متناسب منشأ گرفته باشند، بلکه بایستی به جمعیت‌ها آموزش داده شوند تا آنها بتوانند به صورت جمعیت‌های تازه شکل گرفته، باهم زندگی کنند (البی، ۱۳۹۸).

فرهنگ در معماری

فرهنگ هر ملت پاسخگوی چگونگی شکل گیری فضا هاست. حضور فرهنگ در فضاهای معماری از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. برای نمونه می‌توان از حضور معماری در قالب عناصر، نقش‌ها، تزئینات، ترکیبات حجمی اشاره نمود. معماری وظیفه عینیت

مقدار آلفای کرونباخ	زیرمقیاسها
0/713	جنبه‌های فضایی
0/840	ایمنی و آرامش
0/796	جنبه‌های انسانی
0/799	هویت اجتماعی و فرهنگی
0/871	جنبه‌های عملکردی
0/756	کل

روشهای توصیف و تحلیل اطلاعات

تحلیل و توصیف داده‌ها با نرم افزار SPSS21 مطابق با جدول فوق انجام شده است.

مرحله اول:	داده‌های آماری جمع آوری و به صورت جداول تجزیه و تحلیل می‌شوند. (فراوانی، درصد فراوانی، توصیفی
تجزیه و تحلیل	داده‌های آماری جمع آوری و به صورت جداول تجزیه و تحلیل می‌شوند. (فراوانی، درصد فراوانی، توصیفی
مرحله دوم:	برای آزمون روابط دو متغیره فرضیه، متناسب با سطح سنجش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، و برای مقایسه گروه‌ها از آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس و برای تحلیل چند متغیره از رگرسیون استفاده گردید. که در نهایت در مورد پذیرش و عدم پذیرش فرضیه‌های آماری می‌توان اظهار نظر نمود.
تجزیه و تحلیل استنباطی	برای آزمون روابط دو متغیره فرضیه، متناسب با سطح سنجش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، و برای مقایسه گروه‌ها از آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس و برای تحلیل چند متغیره از رگرسیون استفاده گردید. که در نهایت در مورد پذیرش و عدم پذیرش فرضیه‌های آماری می‌توان اظهار نظر نمود.

استفاده شده است. مطابق این روش پرسشنامه‌هایی تهیه و پس از ارزیابی آنها از لحاظ روایی و پایایی، اقدام به پخش در جوامع مورد مطالعه (دو مجموعه مسکونی نیروی انتظامی شهر اهواز) و تکمیل آنها گردید. تعداد افراد انتخاب شده جهت حجم نمونه آماری بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و بر طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران عبارت است از: ۲۸۵ ساکن در مجموعه‌های مسکونی سازمانی می‌باشد که پس از جمع آوری داده‌ها، به منظور تحلیل آنها، اطلاعات حاصله به صورت جدول‌های توزیع فراوانی، اطلاعات آماری با استفاده از روش و تکنیک‌های آماری و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

پرسشنامه این پژوهش از دو بخش تشکیل گردیده است. الف) سوالات عمومی: این بخش شامل سوالاتی نظیر جنسیت، سن و میزان تحصیلات می‌باشد. ب) سوالات تخصصی: این بخش شامل سوالات نقش مولفه‌ها و عناصر فرهنگ در رضایتمندی سکونتی می‌باشد.

پرسشنامه نقش فرهنگ در معماری مسکن

با توجه به اهداف تحقیق، سوالات پرسشنامه به منظور بررسی پنج عامل اصلی طبقه بندی شده اند. توزیع سوالات با توجه به عامل مورد بررسی به این شرح می‌باشد: سوالات شماره ۱ تا: ۴ جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، سوالات شماره ۵ تا ۸: ایمنی و آرامش (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، سوالات شماره ۹ تا ۱۱: جنبه‌های انسانی (تعاملات اجتماعی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، سوالات شماره ۱۲ تا ۱۶: هویت اجتماعی و فرهنگی (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، سوالات شماره ۱۶ تا ۲۱: جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه). به منظور آزمون فرضیات ساکنین باید نظر خود را نسبت به هر سؤال در قالب یکی از پنج گزینه موجود اعلام کنند. این پنج گزینه که بر اساس الگوی طیف ۵ گزینه ای لیکرت بوده جهت دقت بالاتر اندازه گیری می‌باشد.

- یافته‌ها بر اساس تجزیه و تحلیل توصیفی داده

اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد که، از مجموع ۲۸۵ نفر از ساکنان مورد مطالعه ۱۵۲ نفر (۵۳/۳ درصد) مرد و ۱۳۳ نفر (۴۶/۷ درصد) زن بودند. ۱۳۱ نفر (۴۵/۹۶ درصد) از آنها در دوره سنی کمتر از ۳۰ سال بودند و ۱۳۳ نفر (۴۶/۶۷ درصد) از آنها ۳۵-۴۰ سال بودند. در این بین تعداد ۲۱ نفر (۷/۳۷ درصد) از آنها سن بالای ۴۵ سال را داشتند. بیشترین تعداد شرکت کننده ۱۶۴ نفر زیر دیپلم (۵۷/۵۷ درصد)، ۸۱ نفر دیپلم (۲۸/۴۴ درصد)، ۳۹ نفر کارشناسی (۱۳/۶۲ درصد) و ۱ نفر کارشناسی ارشد (۰/۳۷ درصد) بودند.

- یافته‌ها بر اساس تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها

با توجه به مجموعه گویه‌های مورد بررسی، جدول توزیع پراکندگی متغیرهای پژوهش در ذیل آورده شده است. براساس یافته‌های جدول ۶، در بررسی ابعاد نقش مولفه‌ها و عناصر فرهنگ در معماری مسکن سازمانی بطور کلی مشخص شد بالاترین میزان رضایت در مولفه جنبه‌های عملکردی با میانگین ۴/۳۶ و پایین ترین میزان آن در مولفه جنبه‌های فضایی با میانگین ۳/۱۴ می باشد.

جدول ۶: توزيع پراکندگي متغيرهاي مورد بررسي پژوهش

شاخص ها	فراواني	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
جنبه‌های فضایی	285	1/00	5/00	3/14	0/73
ایمنی و آرامش	285	1/00	4/69	3/37	0/85
جنبه‌های انسانی	285	1/00	5/00	3/96	0/39
هویت اجتماعی و فرهنگی	285	1/00	5/00	3/36	0/94
جنبه‌های عملکردی	285	1/00	5/00	4/36	0/72

قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین مقدار حاصل شده توسط آزمون پیرسون برابر با 0.04 بوده که این مقدار از 0.05 کمتر است؛ لذا فرضیه صفر تایید نشده و فرضیه ما مورد قبول واقع می‌گردد. همچنین در جهت بررسی تأثیر جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن از آزمون همبستگی رگرسیون بهره برداری شده است.

با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از 0.05 است و همچنین مقدار $T=10.02$ و $F=0.873$ می‌باشد نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن رابطه وجود دارد و چون $R=0.09$ است نتیجه می‌گیریم بین دو متغیر رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد و با توجه به این که مقدار ضریب تعیین $R^2=0.009$ می‌باشد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه ۲: بین ایمنی و آرامش (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن ارتباط معناداری وجود دارد. (جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.)

-آزمون فرضیه ها

فرضیه ۱: بین جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن ارتباط معناداری وجود دارد. (جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.)

جدول ۷: همبستگی پیرسون بین جنبه‌های فضایی مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان

احساس رضایتمندی	جنبه‌های فضایی	احساس رضایتمندی
همبستگی پیرسون	1	0.73
جنبه‌های فضایی	سطح معناداری	0
تعداد	285	285
احساس رضایتمندی	همبستگی پیرسون	0.73
سطح معناداری	سطح معناداری	0
تعداد	285	285

همانطور که نتایج نشان دادند، میان متغیرهای جنبه‌های فضایی و احساس رضایتمندی همبستگی به میزان 0.73 که قوی نیز هست وجود داشته و این مفهوم بیانگر رابطه مستقیم و معنادار بین آنها می‌باشد که

جدول ۸: آزمون فرضیه اول براساس رگرسیون

سطح معناداری	Beta	B	R2	r	f	مقدار t	تعداد	متغیر
0.000	-0.099	0.099	0.009	0.09	0.873	10.02	285	جنبه فضایی

جدول ۹: همبستگی پیرسون بین ایمنی و آرامش مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

ایمنی و آرامش	احساس رضایتمندی
همبستگی پیرسون	1
سطح معناداری	0
تعداد	285
همبستگی پیرسون	0.78
سطح معناداری	0.03
تعداد	285

جدول ۱۰: آزمون فرضیه بین ایمنی و آرامش مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

سطح معناداری	Beta	B	R2	r	F	مقدار t	تعداد	متغیر
0.000	0.248	1.257	0.055	0.23	5.84	10.825	285	ایمنی و آرامش

جدول ۱۱: همبستگی پیرسون جنبه‌های انسانی مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

جنبه‌های انسانی	جنبه‌های انسانی		سطح معناداری	تعداد
	همبستگی پیرسون	احساس رضایتمندی		
همبستگی پیرسون	1	0.76		
سطح معناداری	0	0.026		
تعداد	285	285		
همبستگی پیرسون	0.76	1		
سطح معناداری	0.026	0		
تعداد	285	285		

فرضیه ۳: بین جنبه‌های انسانی (تعامل اجتماعی

منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و

احساس رضایتمندی ساکنان آن ارتباط معناداری وجود

دارد. (جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون

همبستگی پیرسون استفاده شده است.)

میان جنبه‌های انسانی (تعامل اجتماعی منطبق با

فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس

رضایتمندی ساکنان آن همبستگی به میزان ۰.۷۶ که

قوی نیز هست وجود داشته و این مفهوم بیانگر رابطه

مستقیم و معنادار بین آنها می‌باشد که قابلیت تعمیم به

کل جامعه را دارد. همچنین مقدار حاصل شده توسط

آزمون پیرسون برابر با ۰.۲۶ بوده که این مقدار از ۰.۰۵

کمتر است؛ لذا فرضیه صفر تایید نشده و فرضیه ما مورد

قبول واقع می‌گردد. همچنین در جهت بررسی جنبه‌های

انسانی (تعامل اجتماعی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)

مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن از آزمون

همبستگی رگرسیون بهره برداری شده است.

از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ و همچنین

مقدار $T=10.23$ و $F=5.59$ می‌باشد. بر این اساس بین

دو متغیر جنبه‌های انسانی (تعامل اجتماعی منطبق با

فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس

رضایتمندی ساکنان آن رابطه معناداری وجود داشته و از

آنجایی که $R=0.24$ است میتوان نتیجه گرفت که این

رابطه مستقیم و ناقص می‌باشد و ضمن توجه در مقدار

ضریب تعیین که $R^2=0.056$ می‌باشد، لذا بین

جنبه‌های انسانی (تعامل اجتماعی منطبق با فرهنگ

حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی

ساکنان آن ارتباط قابل توجه می‌باشد. بر این اساس

فرضیه فوق تایید می‌گردد.

فرضیه ۴: بین هویت اجتماعی و فرهنگی (منطبق با

فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس

رضایتمندی ساکنان آن ارتباط معناداری وجود دارد.

(جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون همبستگی

پیرسون استفاده شده است.)

میان متغیرهای ایمنی و آرامش مسکن سازمانی و

احساس رضایتمندی ساکنان آن همبستگی به میزان

۰.۷۸ که قوی نیز هست وجود داشته و این مفهوم بیانگر

رابطه مستقیم و معنادار بین آنها می‌باشد که قابلیت

تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین مقدار حاصل شده

توسط آزمون پیرسون برابر با ۰.۰۳ بوده که این مقدار از

۰.۰۵ کمتر است؛ لذا فرضیه صفر تایید نشده و فرضیه ما

مورد قبول واقع می‌گردد. همچنین در جهت بررسی

تأثیر ایمنی و آرامش مسکن سازمانی بر احساس

رضایتمندی ساکنان آن از آزمون همبستگی رگرسیون

بهره برداری شده است.

از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ و

همچنین مقدار $T=10.825$ و $F=5.84$ می‌باشد. بر این

اساس بین دو متغیر ایمنی و آرامش مسکن سازمانی و

احساس رضایتمندی ساکنان آن رابطه معناداری وجود

داشته و از آنجایی که $R^2=0.233$ است میتوان نتیجه

گرفت که این رابطه مستقیم و ناقص می‌باشد و ضمن

توجه در مقدار ضریب تعیین که $R^2=0.055$ می‌باشد،

لذا ایمنی و آرامش مسکن سازمانی با احساس

رضایتمندی ساکنان آن ارتباط قابل توجه دارد. بنابراین

فرضیه فوق تایید می‌گردد.

جدول ۱۲: آزمون فرضیه جنبه‌های انسانی مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

سطح معناداری	Beta	B	R2	r	f	مقدار t	تعداد	متغیر
0.000	0.233	1.26	0.056	0.24	5.59	10.23	285	جنبه‌های انسانی

جدول ۱۳: همبستگی پیرسون بین هویت اجتماعی و مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

احساس رضایتمندی	هویت اجتماعی	
	فرهنگی	رضایتمندی
همبستگی پیرسون	1	0.81
سطح معناداری	0	0.029
تعداد	285	285
همبستگی پیرسون	0.86	1
سطح معناداری	0.03	0
تعداد	285	285

فرضیه ۵: بین جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۵: همبستگی پیرسون بین جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

احساس رضایتمندی	جنبه‌های عملکردی	
	عملکردی	رضایتمندی
همبستگی پیرسون	1	0.87
سطح معناداری	0	0.031
تعداد	285	285
همبستگی پیرسون	0.87	1
سطح معناداری	0.031	0
تعداد	285	285

میان متغیرهای هویت اجتماعی و فرهنگی مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن همبستگی به میزان ۰٫۸۱، که قوی نیز هست وجود داشته و این مفهوم بیانگر رابطه مستقیم و معنادار بین آنها می‌باشد که قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین مقدار حاصل شده توسط آزمون پیرسون برابر با ۰٫۰۳ بوده که این مقدار از ۰٫۰۵ کمتر است؛ لذا فرضیه صفر تایید نشده و فرضیه ما مورد قبول واقع می‌گردد. همچنین در جهت بررسی تأثیر هویت اجتماعی و فرهنگی (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن از آزمون همبستگی رگرسیون بهره برداری شده است.

از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۵ و همچنین مقدار $T=11.31$ و $F=6.91$ می‌باشد. بر این اساس بین دو متغیر هویت اجتماعی و فرهنگی (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن رابطه معناداری وجود داشته و از آنجایی که $R=0.37$ است میتوان نتیجه گرفت که این رابطه مستقیم و ناقص می‌باشد و ضمن توجه در مقدار ضریب تعیین که $R^2=0.057$ می‌باشد، لذا ارتباط هویت اجتماعی و فرهنگی (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)

میان متغیرهای جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن همبستگی به میزان ۰٫۸۷، که قوی نیز هست وجود داشته و این مفهوم بیانگر رابطه مستقیم و معنادار بین آنها می‌باشد که قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین مقدار حاصل شده توسط آزمون پیرسون برابر با ۰٫۰۳۱ بوده که این مقدار از ۰٫۰۵ کمتر است؛ لذا فرضیه صفر تایید نشده و فرضیه ما مورد قبول واقع می‌گردد. همچنین در جهت بررسی تأثیر جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن از آزمون همبستگی رگرسیون بهره برداری شده است.

جدول ۱۴: آزمون فرضیه بین هویت اجتماعی و فرهنگی مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

متغیر	تعداد	مقدار t	F	r	R2	B	Beta	سطح معناداری
هویت اجتماعی و فرهنگی	285	11.31	6.91	0.37	0.057	1.391	0.301	0.000

جدول ۱۶: آزمون فرضیه بین جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن

متغیر	تعداد	مقدار t	F	r	R2	B	Beta	سطح معناداری
هویت اجتماعی و فرهنگی	285	10.51	6.74	0.41	0.063	1.410	0.341	0.000

حیطه کمتر به مسائل فرهنگی پرداخته شده است. با توجه به اهمیت مفهوم فرهنگ سکونتی که به معنای توجه به آداب، قواعد و الزام‌های زندگی در محیط جمعی از جمله رضایتمندی است و با توجه به اینکه دوری از آن باعث افزایش مشکلات اجتماعی و فرهنگی می‌شود، پژوهش حاضر با ارزیابی و سنجش تأثیر نقش فرهنگ در معماری مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان پرداخته است. در این پژوهش اقدام به تحلیل تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ بر رضایتمندی در دو مجموعه مسکونی سازمانی نیروی انتظامی شهرستان اهواز شد. بر این اساس نتایجی که در بخش کمی حاصل گردید، حاکی از رابطه معنا دار میان مؤلفه‌هایی مانند جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، ایمنی و آرامش (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، جنبه‌های انسانی (تعامل اجتماعی منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، هویت اجتماعی و فرهنگی (منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه)، جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) در دو مجموعه مسکونی از نظر پاسخگویان حاصل گردید.

فرهنگ حالت غریزی ندارد بلکه کیفیتی اکتسابی دارد. ویژگی‌هایی که از طریق تمدن و عادات و اندیشه‌ها آموخته شوند چیزهایی هستند که فرهنگ نامیده می‌شوند. انسان رفتاری فرهنگی را به نمایش می‌گذارد، چرا که دارای توانایی ارتباط نهادی است. فرهنگ امری ارتباطی است، فرهنگ از نسلی به نسل دیگر انتقال داده می‌شود و در نتیجه این امر، فرهنگ در حال تراکم پیوسته است. فرهنگ محصول میراث اجتماعی است و در شکل‌گیری آن عواملی مانند مطالعات و دانش‌های موجود در جامعه، تحولات و تغییرات اجتماعی، روابط اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی مداخله دارد. شناخت تغییرات فرهنگی و یا اساساً هر نوع تحلیل درباره وضعیت فرهنگی جامعه، نیازمند در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از وضعیت گرایش‌ها و رفتارهای فرهنگی است. با این حال، این ایده چندان که مقبول می‌نمایند،

از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ و همچنین مقدار $T=10.51$ و $F=6.74$ می‌باشد بر این اساس بین دو متغیر جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات منطبق با فرهنگ حاکم در جامعه) مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن رابطه معناداری وجود داشته و از آنجایی که $R=0.41$ است میتوان نتیجه گرفت که این رابطه مستقیم و ناقص می‌باشد و ضمن توجه در مقدار ضریب تعیین که $R^2=0.041$ می‌باشد، لذا ارتباط جنبه‌های عملکردی مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن قابل توجه می‌باشند. بر این اساس فرضیه فوق تایید می‌گردد. فرضیه اصلی: بین نقش فرهنگ در معماری مسکن سازمانی و احساس رضایتمندی ساکنان آن ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۷: بررسی فرضیه اصلی پژوهش

مقدار تست دوربین واتسون	
مدل	1.580

در این آزمون همانگونه که مشاهده میشود مقدار تست مدل برابر ۱،۵۸۰ می‌باشد که نشان دهنده معناداری تأثیرگذاری متغیرهای پژوهش است. جهت بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از مولفه‌ها بر سطح سلامت اجتماعی از آزمون T استفاده شد. همانطور که نتایج جدول ۱۸ نشان دادند فرهنگ در معماری مسکن بر رضایتمندی ساکنان آن تأثیر دارد و از این رو فرضیه اصلی پژوهش نیز تایید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

یکی از مهم ترین وجوه سکونت، امکان کسب هویت در خلال زندگی به واسطه فرهنگ پذیری از کالبد سکونتی است. از آنجا که هویت فردی در سکونت شخصی شکل می‌پذیرد، سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت نیز دانست. امروزه پژوهش‌های بسیاری در رابطه با رضایتمندی، دسترسی‌ها و فضاهای سکونتی صورت می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد در این

جدول ۱۸: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش، نتایج آزمون T دو گروه مستقل

گروه‌های متغیر	میانگین	انحراف معیار	T	P-value	F	p-value
جنبه‌های فضایی	19/26	5/78	-2/07	0/001	2/80	0/097
ایمنی و آرامش	11/28	2/40	-1/67	0/096	2/13	0/149
جنبه‌های انسانی	10/55	3/73	-1/46	0/147	2/58	0/031
هویت اجتماعی و فرهنگی	10/73	4/99	-2/14	0/034	4/58	0/089
جنبه‌های عملکردی	10/66	2/16	-2/67	0/009	2/98	0/020

اتاق مجزا شده است و وجود اتاق‌های مجزا، از یک طرف گسترده‌گی شیوه‌ی زندگی را نادیده گرفته و از طرف دیگر به تجزیه شدن شیوه‌ی زندگی کمک کرده است. نظام طراحی جزء فضاها می‌تواند به جای تجزیه شدن به همگرا شدن فعالیت‌های موجود در شیوه زندگی نظر داشته باشد و در این مسیر به سازماندهی فضا بپردازد، در غیر این صورت همانند گرایش‌هایی که در نیم قرن اخیر به وقوع پیوسته سازماندهی فضا را به سمت تجزیه جزء فضاها یا استقلال مجزای جزء فضاها هدایت کرده و به واگرایی فعالیت‌های درون شیوه زندگی منجر می‌شود. انتخاب هریک از دو نظام و کوشش برای تحقق هریک از آنها، مسیر طراحی خانه را تغییر می‌دهد. درک همگرایی شیوه زندگی، در نظر گرفتن همزمان و هم مکان تمامی ابعاد آن است. زندگی در وجه عینی آن، ترکیبی از بی شمار فعالیت‌های متنوع است که انسانها، در طیف متنوعی از فردی، دو نفره و چند نفره به آنها می‌پردازند و برای انجام این فعالیت‌ها اشیاء گوناگونی را نیز به کار می‌گیرند و در وجه ذهنی، مجموعه‌ای از معناها، اعتقادات، اندیشه‌ها، حالت و عواطف را دربر می‌گیرد. در سازمان یابی خانه‌های تاریخی دیده می‌شود که نظام طراحی موجود در این خانه‌ها، برای هر جزء فضای تعریف شده ضمن حفظ استقلال می‌بایست شیوه‌های ترکیب آن را نیز با سایر جزء فضاها در نظر گیرد و به کارگیری این شیوه از تعریف و ترکیب فضا به موازات رعایت فضاهای بینابینی (حریم)، امکان تحقق قلمروهای گوناگون و انعطاف پذیری فضا برای انجام فعالیت‌های گوناگون را افزایش می‌دهد. (حائری مازندرانی، ۱۳۹۳).

دستیابی به این ویژگی در خانه‌های معاصر، مستلزم اتخاذ شیوه طراحی همگراست یعنی گروهی طراحی کردن جزء فضاها و نه طراحی مجزای آنها. اینکه کدام جزء فضا، چگونه و تا چه اندازه قابلیت بسط داشته باشد، نیازمند تنظیم سازمان فضایی خانه، مشخص کردن جایگاه قلمروهای گوناگون از خصوصی و عمومی در آن و همچنین طراحی گروهی جزء فضاها در سازمان فضایی خانه است. نظام طراحی موجود که محصولش ایجاد جزء فضاها مجزا و واگرا است، به سختی می‌تواند همزمانی و هم مکانی تحقق فعالیت‌های گوناگون را در خود تسهیل و ترغیب کند. به منظور طراحی همگرای جزء فضاها، معمار می‌باید، مجموعه جزء فضاها را که می‌توانند فعالیت‌های مشترک را در خود جای دهند، مدنظر قرار داده و این گروه فضاها را با یکدیگر به عنوان یک واحد فضایی همگرا برگزیند.

عمومی نیافته است. دلیل ساده آن نیز همین بس که شمار پژوهش‌هایی که در مقیاس ملی و فراگیر اطلاعاتی را درباره وضعیت گرایش‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی ارائه کند، اندک است (عبدی و گودرزی، ۱۳۹۳). در شرایط فقدان داده‌های معتبر و علمی، تجربیات شخصی مبنای قضاوت درباره تحولات اجتماعی و فرهنگی می‌شوند و خود پیداست که ارائه تصویری جامع از فرهنگ بر مبنای این نوع تجربیات تا چه مایه کم رقم است (عبدی و گودرزی، ۱۳۹۳).

در زمینه معماری ایرانی نیز، معمارانی که به معماری گذشته توجه کردند را می‌توان به دسته‌های مختلفی تقسیم بندی کرد. بعضی‌ها به نسخه برداری از معماری گذشته پرداختند. بعضی بازگشت به معماری گذشته را در بهره گیری از حجم‌های آجری دانستند، بعضی از سنت معماری صورت‌هایی را برگرفتند و به میل خود آنها را با هم ترکیب کردند، بعضی از دریچه مدرنیسم متأخر به معماری گذشته نگریستند، بعضی کوشش کردند که اصول معماری گذشته

را بیابند و در آن دستگاه بنوازند و بالاخره بعضی از دروازه پست مدرنیسم به معماری گذشته ایران وارد شدند (نوابی، ۱۳۹۳). در نهایت، صلاح کار ما جستجوی یک معماری خودی است و معماری خودی چیزی نیست جز معماری‌ای که هویت فرهنگی مستقل دارد. این معماری در حالی که با معماری امروز دنیا نمی‌ستیزد و آنچه را در آن یا هر معماری دیگری مطابق ذوق و پسند خود می‌یابد برمی‌گیرد و بر سرمایه معنوی خود می‌افزاید، بر فرهنگ غنی سرزمینمان استوار است (نوابی، ۱۳۹۳).

در پاسخ به پرسش پژوهش که «تأثیر فرهنگ و سبک زندگی بر شکل‌گیری نظام کالبدی در مجموعه‌های مسکونی چیست؟» می‌توان گفت؛ اگر خواهان تغییر موثر و سازنده در شیوه طراحی و ساخت و سازهای مسکونی معاصر هستیم، بازنگری رابطه متقابل سازمان فضایی و شیوه زندگی امری گریزناپذیر است. شیوه زندگی، همه ابعاد زیستن را شامل می‌شود. در حالت حداقل، برای انجام هر فعالیت، چگونگی سازمان یابی فضا و جزء فضاها، تسهیل کننده، تشویق کننده یا مَحَل انجام آن فعالیت به حساب می‌آید. به علاوه، هر جزء فضا و شیوه‌های ترکیب و تداخل جزء فضاها امکان تجمیع و تحقق چند عملکرد را نیز، ترغیب و تسهیل می‌کنند و زندگی به شیوه دیگری سازمان می‌یابد. در شرایط موجود، عکس‌العمل فضایی معناکردن شیوه زندگی به تعداد معدودی عملکرد، منجر به ایجاد تعدادی

در انتها با ارائه راهکارهایی مؤثر بر می‌توان به ارتقاء فرهنگ سکونتی کمک نمود.

فرضیه ۱

- ارتباط بین ادراک تراکم و فاصله بین ساختمان در ارتباط با فضا های شهری
- تعادل مناسب میان تراکم ساختمان و تراکم جمعیتی

- کمک به تحقیق تناسب لازم با کنترل چیدمان فضایی با توجه به نقشه های داخلی و نما
- تناسب بین فرم و استاندارد ها و نیز ساکنان
- ایجاد نظم تناسباتی در حریم و سلسله مراتب در ترکیب توده و فضای باز
- استفاده از طراحی منظره و محوطه با خلایق بیشتر

فرضیه ۲

- امکان شکل دهی به بستر نظارتی غیر مستقیم والدین در فضاهای مسکونی تدوین منشور آپارتمان نشینی با محوریت مشارکتی ساکنین آپارتمان
- ایجاد فضایی امن برای خانوارها از طریق تفکیک قلمروها از عمومی تا خصوصی ایمنی معابر، نظارت و مراقبت، محرمیت، نفوذپذیری و انعطاف پذیری
- استفاده از فرم‌ها با خصوصیت آرامش بخشی و پرهیز از به کارگیری بدنه‌های تیز
- گسترش ناوگان حمل و نقل عمومی و گسترش سطح پوشش شهر

فرضیه ۳

- فضاهایی جهت بازی و گفتگو و افزایش تعاملات اجتماعی
- گفتگو با همسایه‌ها در مورد ارزش‌های زندگی
- بسط و گسترش سازمان‌های اجتماعی ایجاد انگیزه داوطلبی تدارک دیدن فرصت‌هایی برای همکاری و برخورد‌های اتفاقی همسایگی
- ترویج آموزه‌های دینی و نیز تأکید بر نتایج مثبت تعاملات سازنده همسایگی

فرضیه ۴

- کاهش آلودگی صوتی در مناطق مسکونی از طریق جدایی‌گزینی کاربری‌های ناسازگار
- اجتناب از تحمیل سیاست‌های اجرایی توسط شهرداری

فرضیه ۵

- توجه به هویت و فرهنگ بومی ساکنان در ساخت کالبدی محیط شهری
- بالا بردن امکانات رفاهی و خدماتی و ورزشی در بالا بردن رضایت

- ایجاد فضای باز چند عملکردی و تبدیل به فضای عمومی

- تلاش جهت ایجاد تکالیف اجتماعی افراد به دلیل وجود روابط اجتماعی قوی تر
- تداوم و انسجام اجتماعی به وسیله تقویت ارزش ها

منابع و ماخذ

استرس در مردان دارای مسکن و مستاجر با فرهنگ آپارتمان نشینی شهر تهران. کنفرانس بین المللی فرهنگ آسیب-شناسی روانی و تربیت
اینگه‌هارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه: مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
آل یاسین، سید علی و نجاری، ابوالفضل و کاظمی مهبیاری، الهام. (۱۳۹۶). مقایسه سلامت روان و شیوه مقابله با

بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۰). معماری غرب، ریشه‌ها و مفاهیم. تهران: هنر معماری قرن
پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). شهر، مسکن و مجموعه ها. تهران: انتشارات آرمان شهر
حائری مازندرانی، محمدرضا، ملکوتی، علیرضا و شبنم السادات اسماعیلی. (۱۳۹۳). روش شناخت چند دانشی معماری خانه‌های تاریخی ایران نمونه موردی بررسی ۸۷ خانه تاریخی در شش کشور شهر. نامه معماری و شهرسازی. دوره ۶، شماره ۱۲، صفحه ۱۱۳-۱۱۷.

حق لسان، مسعود و محمدزاده سقطی، شادی. (۱۳۹۵). نگاهی بر نقش بلندمرتبه سازی در تحقق پذیری توسعه پایدار شهری، کنفرانس بین المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی
حکمت نیا، حسن، موسوی، میرنجف و عطاالله زرافشان. (۱۳۸۴). بررسی و تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر تفت و برنامه ریزی آتی آن. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای. شماره ۵.

خاکپور، مؤگان و شیخ مهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی «گیلان. مدیریت شهری. شماره ۲۷
خوارزمی، ش. (۱۳۸۶). بهبود کیفیت زندگی و آموزش خرد زندگی، رهیافت و گفت‌وگو از دیدگاه جنبش آینده نگری ایران، درج در: www.Ayandehnegar.org

دورکیم، امیل. (۱۳۵۹). تقسیم کار اجتماعی. ترجمه: حسن حبیبی.

- فلاحی، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد، مؤسسه آموزش عالی خاوران
- قربی، سید جواد. (۱۳۹۶). فرهنگ سیاسی و قدرت نرم در انقلاب اسلامی؛ موردکاوی و سند مولفه‌های هویت ملی ایرانیان. مطالعات عملیات روانی. شماره ۴۶، صفحه ۱۳۱-۱۵۴.
- گاربارنیو، مروین. (۱۳۹۷). نظریه‌های مردم شناسی. ترجمه عباس محمدی اصل. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- مدیری، آتوسا و بهرام پور، عطیه. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران. نشریه هنرهای زیبا. دوره ۲۰. شماره ۳.
- مسعودی راد، ماندانا، ابراهیم زاده، عیسی و مجتبی رفیعیان. (۱۳۹۶). ارزیابی سیاست مسکن مهر با توجه به شاخص‌های پایداری نمونه موردی: شهر خرم آباد. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. دوره ۲۸، شماره ۲ (پیاپی ۶۶).
- معماربان، غلامحسین. (۱۳۹۲). سیری در مبانی نظری معماری. سروش مهرگان. تهران
- Appleyard, Donald. (1979). Inside v s. Outside: The distortions of distance. Institute of urban and Regional Development, university of Fcalifornia.
- Amerigo.m and Aragone.J.A. (2016). A Theoretical and Methodological Approach To The Study Ofresidential Satisfaction. Journal of environmental psychology.17.
- Campbell. J . M: convers P.E and Rodgers W.L. (1976) . The Quality of American Life: Perceptions Evaluation and Satisfactions New York. Russell sage.
- Diener. Ed, Robrt A. Emmons, Randy. J. Larsen, and shorn Griffin.(1985). The Satisfaction with Life Scale.Journah of personality Assessment 49(1). 71-75.
- Glaster, G.C. and G.W. Hesser.(1981). Residential Satisfaction Composition and Contextual Correlates. Enviroment and Behavior ,13(6): 735-758.
- McCray J.W. , Day S.S.(1977). Housing Values, Aspirations and Satisfactions as Indicators of Housing Needs: Home Economics, Vol. 5 , No. 4, pp:244-254.
- Wezha Hawez Baiz . Dedar Salam Khoshnaw and Anjam H. Byze (2016) High-Rise Buildings Aspects and Significant Impacts in Urban Areas. Journal of Engineering Research and Application. Volume 6. Issu pelin Sarioglu-Erdogdu G.(2015). Wei-being ofrenters in Ankara: An empirical anahysis. Habitat International,48,pp.30-3
- رزاقی اصل، سینا و مهدوی نیا، مجتبی و فیضی محسن و دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۸۹) ("طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلانشهر تهران: باغ نظر رضایی، محمدرضا و کمائی زاده، یعقوب. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مجتمع‌های مسکن مهر مطالعه موردی: سایت مسکن مهر فاطمیه یزد. مطالعات شهری. دوره دوم، شماره ۵.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). تغییر ارزش‌ها در آینه سینما و مطبوعات. مطالعات فرهنگ-ارتباطات. شماره ۱۴.
- رئیس، ایمان، عباس زادگان، مصطفی و ابوالفضل حبیبی. (۱۳۸۶). رویکرد چیدمان فضا در تحلیل و طراحی فضاهای شهری، مطالعه موردی: پایین محله قزوین. مجله فصلنامه آبادی. شماره ۵۸.
- زیرای، کرامت الله و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های اقتصادی مسکن برآورد نرخ سود آوری و بهره وری عوامل تولید مسکن، مطالعه موردی: سنجند. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۵۱، شماره ۳ (پیاپی ۱۰۹). صفحه ۵۷۱-۵۸۶.
- ستوده، حسام الدین و کریمی، غالمعلی. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین فرهنگ و معماری بومی و تأثیر آن در ارتقاء کیفیت طراحی. اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری. مؤسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرآزی. یزد
- صالحی، اسماعیل و یآوری، احمدرضا و وکیلی، فرزانه و پریور، پرستو. (۱۳۹۵). ارزیابی اثر بلندمرتبه سازی بر عملکرد جریان شهری، پژوهش موردی: منطقه ۲۲ کلانشهر تهران. دو فصلنامه پژوهش‌های بوم شناسی شهری
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن. (۱۳۹۳). تحولات فرهنگی در ایران. انتشارات روش. تهران.
- عیسی زاده، کوثر. (۱۳۹۶). تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی. مدیریت شهری. شماره ۴۶
- فکوهی، ناصر و سیارپور، فاطمه. (۱۳۹۳). شهر به مثابه بدن: نگاهی انسان شناختی به میدان امام خمینی (توپخانه) تهران با تأکید بر رابطه کالبد انسانی و فضای شهری. مجله پژوهش‌های انسان شناسی. دوره ۴، شماره ۲، صفحه ۲۹-۴۹.
- فکوهی، ناصر و غزنویان، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی انسان شناختی تنوع مطلوب از منظر ساکنان خانه‌های شهری تهران، البرز و قزوین. مجله پژوهش‌های انسان شناسی ایران. دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۲۹-۵۲.